



چکیده مقاله: سنجش درجه انطباق رفتارهای اقتصادی مردم ایران با نظریه رفتارهای اقتصادی اسلامی

دکتر مرتضی عزتی *

یکی از اجزای اصلی نظام اقتصادی، خانوارها می باشند. برای بررسی درجه انطباق نظام اقتصادی ایران با اسلام می توان هر یک از اجزای نظام اقتصادی حاکم بر ایران را بررسی کرد. این مقاله به بررسی درجه انطباق رفتارهای اقتصادی مردم ایران با نظریه رفتارهای اقتصادی مسلمان می پردازد. برای این منظور ضمن اشاره نظری به رفتارهای اقتصادی اسلامی، با استفاده از یک نمونه ۶۰۰ خانواری از خانوارهایی که سرپرست آنها در محدوده مرکزی شهر تهران دارای شغل آزاد است، درجه انطباق رفتارهای اقتصادی ایشان را با نظریه رفتارهای اقتصادی اسلامی اندازه گیری می کنیم. اصلی ترین نتیجه این تحقیق آن است که بیش از ۸۰٪ (در بعضی موارد نزدیک به ۱۰۰٪) رفتارها، منطبق با نظریه رفتارهای اقتصادی اسلامی است.

سنجش درجه انطباق رفتارهای اقتصادی مردم ایران با نظریه رفتارهای اقتصادی اسلامی

مقدمه

یکی از اجزای اصلی هر نظامی خانوارها می باشند. در زمینه اقتصاد نیز بخش عمده‌ای از فعالیتهای اقتصادی توسط این جز انجام می شود. برای اینکه نظام اقتصادی، فعالیتهای اقتصادی توسط این جز انجام می شود. برای اینکه نظام اقتصادی، اسلامی باشد باید همه اجزایی آن اسلامی یا حداقل سازگار با اصول، اهداف و مبانی نظام اسلامی باشند. برای بررسی اسلامیت نظام اقتصادی ایران می توان عملکرد هر یک از اجزای نظام را در انطباق با اسلام بررسی کرد. در این زمینه می توان این سؤال را مطرح کرد که آیا رفتار خانوارهای ایرانی منطبق با نظریه رفتارهای اقتصادی اسلامی می باشد؟

دانستن پاسخ این مسأله از چند جهت حایز اهمیت است: یکی اینکه با این پاسخ، می توان درجه انطباق رفتارهای مردم ایران با نظریه اقتصاد اسلامی را برای برنامه‌ریزی دانست و به نسبت سازگاری این بخش از نظام با اسلام، برای اجرای نظام اقتصادی اسلام پی برد. همچنین اگر این سازگاری وجود داشته باشد، می توان گفت جوامع اسلامی از قابلیت بررسی تجربی نظریه های اقتصاد اسلامی برخوردارند. به علاوه می توان به صحت و سقم دیدگاههایی که قایل به غیراسلامی بودن رفتارهای مردم جوامع اسلامی هستند نیز پی برد.

در این مقاله تلاش می‌کنیم ابتدا از جنبه نظری، اشاره ای به مبانی رفتارهای اقتصادی اسلامی کنیم. سپس با استفاده از یک مطالعه میدانی و بر اساس داده‌های نمونه، درجه انطباق رفتارهای مردم را با قواعد اقتصادی مدنظر اسلام بسنجیم. این بررسی بر روی یک نمونه ۶۰۰ خانواری تصادفی خوشه‌ای از خانوارهایی که سزپرست آنها در محدوده مرکزی شهر تهران شغل غیردولتی دارد، انجام شده است. داده‌های رفتاری افراد با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به روش آماری انجام شده است.

۱- نظریه اقتصاد اسلامی

از لحاظ نظری ۳ دیدگاه اصلی درباره رفتارهای افراد و اطلاق مسلمان به ایشان وجود دارد.

۱- یک دیدگاه قایل است که اسلام شامل تسلیم درونی، یعنی ایمان و عمل به واجبات اصلی شامل نماز، روزه، حج و زکات و در عین حال سایر دستورات شرعی است (ایزوتسو، ۱۲۸، ۱۳۷۸-۹۷) البته مباحث مفصلی در این زمینه وجود دارد که به این

مختصر اکتفا می کنیم. براساس این دیدگاه، اسلام هم جنبه درونی و قلبی و هم جنبه عمل را در بر می گیرد.

۲- دیدگاه دیگر قابل است اسلام به معنی طاعت یعنی انجام همه اعمال و دستورات شرعی است. در این دیدگاه اسلام، ضرورتاً شامل جنبه درونی و قلبی نمی شود، بلکه تنها عمل به اوامر و نواهی شرعی برای مسلمان بودن کافی است. (ایزوتسو، ۱۳۷۸، ۱۱۶-۱۰۸) در این دیدگاه برخی بر این نظر هستند که اسلام جزئی از ایمان است. یعنی کسی که ایمان داشته باشد مسلمان می شود (تسلیم خواهد یافت)، اما بی ایمان مسلمان نخواهد شد (ایزوتسو، ۱۳۷۸، ۱۰۱)، البته برخی دیگر، این نظر را قبول ندارند و اسلام را مستقل از ایمان و تنها به معنی طاعت در نظر می گیرند (همان).

۳- برخی از اندیشمندان نیز بر این نظر هستند که اسلام تنها با ذکر شهادتین جاری می شود و نه تنها ایمان بلکه حتی عمل به واجبات و ترک محرمات نیز جزو اسلام نیست. این عده به سنت پیامبر استناد می کنند. چنانچه در صدر اسلام، کفار با ذکر شهادتین از کفر خارج محسوب می شدند (همان ۱۲۸-۹۷).

در بین نظریه پردازان اقتصاد اسلامی نظر اغلب اندیشمندان این است که مسلمان از نظر اقتصادی همه ضوابط و قواعد شرعی اسلامی در زمینه اقتصاد را رعایت می کند. حداقل، انتظار این است که یک مسلمان اینگونه رفتار کند. از جمله صدیقی می نویسد در اقتصاد اسلامی کانون توجه انسان جستجوی رضایت خداوند از طریق تسلیم به او است (صدیقی، ۱۹۹۲، ص ۱). در جای دیگری می نویسد: یک مسلمان در تمام مراحل زندگی خود تلاش می کند هماهنگ با ارزشهای اخلاقی اسلام قدم بردارد (صدیقی، ۱۹۷۲، ۱۶-۱۵).

محمدانس زرقا نیز می نویسد: یک مسلمان عاقل به بهترین نحو ممکن تلاش می کند تا مصرف خود را با الگوی فوق (رعایت قواعد و ضوابط مصرف از دیدگاه اسلام) منطبق کند (زرقا، ۱۹۹۲، ۱۱۲).

فهیم خان می نویسد رفتار عقلانی ایجاب می کند که رفتار مصرفی یک مسلمان با تعالیم اسلام انطباق داشته باشد (فهیم خان، ۱۲، ۱۹۸۴). نظرات مشابه زیادی نیز می توان در نوشته های سایر اندیشمندان مسلمان یافت.

بر این اساس می توان گفت یک دیدگاه رایج آن است که یک مسلمان از بُعد اقتصادی رفتارهای خود را با ضوابط و قواعد اسلامی منطبق می کند. اما بُعد اصلی تر مسأله این است که این ضوابط و قواعد کدامند؟ در ادامه این قواعد را ذکر می کنیم.

^۱ - از جمله می توان رجوع کرد به یادالله دادگر، ۱۳۷۸/ محمد نجات اله صدیقی، ۱۹۹/ محمد منذر، کهنف، / اسد

۱-۱-۱ قواعد رفتاری اقتصادی اسلامی

به طور کلی فعالیت‌های اقتصادی افراد به دو بخش اصلی تفکیک می‌شوند: یک گروه از فعالیت‌ها برای کسب درآمد یا منفعتی برای خود و دیگران انجام می‌شود که از طریق عرضه منابع تولید صورت می‌گیرد. گروه دوم فعالیت‌های اقتصادی، صرف هزینه را در بر می‌گیرد که مطلوبیت ناشی از این عمل، در نهایت به خود فرد یا دیگران می‌رسد. دین اسلام برای هر دو گروه این فعالیت‌ها قواعدی را آورده است که بر اساس نظریه، پیروان اسلام به آنها عمل می‌کنند.

۱-۱-۱-۱ قواعد کسب درآمد

اسلام، به طور کلی کسب درآمد برای تأمین معاش و زندگی دنیوی را مجاز دانسته است، اما در منابع اصلی اسلام کلیه فعالیت‌هایی که بازدارنده تحقق ایده‌ها و ارزش‌های اسلامی هستند تحریم شده است. به تبع آن، کسب درآمد از طریق این فعالیت‌ها نیز حرام شمرده شده است. از جمله راه‌های حرام برای کسب درآمد عبارتند از:

- کسب درآمد از طریق ربا (یا هر نوع فعالیت ربوی)،
- کسب درآمد و افزایش ثروت از طریق کتز و احتکار،
- کسب درآمد از طریق معامله کالاها و خدمات دارای مصرف حرام یا فعالیت‌های حرام (مثل قمار و نظیر آن) و مضر به حال جامعه،
- کسب درآمد از طریق معامله‌ای که احکام اسلام را رعایت نکرده باشد (کالی به کالی، تقلب و نظیر اینها)،
- کسب درآمد با کم فروشی و مانند اینها .

از نظر شرعی هر نوع فعالیت از این انواع برای کسب درآمد حرام است و طبق نظریه، مسلمان این نوع فعالیت‌ها را انجام نمی‌دهد. یعنی این تحریم‌ها را رعایت می‌کند. چنانچه آنها را مراعات نکند از دستورات دین عدول کرده است.

۱-۱-۲ قواعد صرف هزینه

اسلام، به طور کلی، انسانها را برای صرف دزاییهای خود آزاد گذارده است، اما شرع، شرایطی را برای بعضی فعالیت‌ها قرار داده است که به تبع آن صرف دارایی برای انجام بعضی از آنها مجاز نمی‌باشد. در این زمینه ۴ دسته قواعد وجود دارند که در هزینه کردن داراییها مؤثر هستند. این قواعد عبارتند از:

۱-۱-۲-۱ قواعد مربوط به نوع کالاها و خدمات مصرفی^۱

از دیدگاه اسلام کالاها و خدمات بر اساس کمکی که به تعالی دنیوی و اخروی و مادی و معنوی انسان می‌کنند، دارای بار ارزشی خاصی می‌باشد. بر این اساس کالاها و خدمات به ۵ دسته تقسیم می‌شوند.

^۱ موارد مندرج در این قسمت خلاص‌ای از موارد مندرج کتاب تحریر الوسیله امام خمینی می‌باشد.

الف - کالاهای و خدمات دارای مصرف واجب (لازم): از نظر شرعی، مصرف دسته‌ای از کالاهای و خدمات الزامی است. مصرف این کالاهای و خدمات به علت‌های مختلف واجب شده است

ب - کالاهای و خدمات دارای مصرف مستحب (مباح): از نظر شرع اسلام، مصرف کردن برخی کالاهای و خدمات نسبت به مصرف نکردن آنها ارجح دانسته شده است. به این کالاهای و خدمات، کالاهای و خدمات مستحب گویند.

ج - کالاهای و خدمات دارای مصرف مباح (جائز): در تعبیر شرعی، مصرف بسیاری از کالاهای و خدمات، مجاز شمرده شده است. به کالاهای و خدماتی که مصرف کردن یا نکردن آن به صورت مستقل حسن یا عیبی برای انسان تلقی نمی‌شود، کالاهای و خدمات مباح گفته می‌شود.

د - کالاهای و خدمات دارای مصرف مکروه (مرجوح): به کالاهای و خدماتی که مصرف نکردن آنها از نظر دین، بهتر از مصرف کردن آنها است، کالاهای و خدمات مکروه گفته می‌شود.

ه - کالاهای و خدمات دارای مصرف حرام (ممنوع): مصرف برخی کالاهای و خدمات از نظر شرع ممنوع شده است. به این کالاهای و خدمات حرام گفته می‌شود. دامنه این کالاهای و خدمات و علل تحریم آن متفاوت است.

بر اساس نظریه اقتصاد اسلامی، می‌توان گفت اگر شخصی مسلمان باشد به واجبات این امور عمل می‌کند، محرّمات را ترک می‌کند، در حد توان مستحبات را اجرا و مکروهات را ترک می‌کند، از مباحات نیز در راستای رضای الهی بهره می‌برد و بر همین اساس نیز به صرف هزینه‌های مصرفی خود اقدام می‌کند.

۲-۱-۱-۲-۱- قواعد مربوط به حدود مصرف

در اسلام قواعد خاصی برای مقدار مصرف کالاهای و خدمات آرایه شده و از مسلمانان و مؤمنان خواسته شده است این قواعد را رعایت کنند. طبق نظریه، انتظار می‌رود مسلمان این قواعد را مراعات کند. مهمترین این قواعد، رعایت قصد، یعنی رعایت حد اعتدال در مقدار مصرف است. می‌توان گفت قواعد اصلی دیگری که در این زمینه وجود دارد، تشریحی از حدود این اعتدال است. در ادامه، این قاعده اصلی و قواعد دیگر مربوط به آن را بیان می‌کنیم.

الف - قاعده رعایت اعتدال و میانه روی در مصرف (قصد)

یکی از قواعدی که در اسلام به طور جدی توصیه شده است تا مسلمانان و مؤمنان رعایت کنند، میانه روی و مراعات حد اعتدال در مصرف کالاهای و خدمات است. به طور کلی، رعایت اعتدال و میانه روی نه تنها برای مصرف توصیه شده است، بلکه در بسیاری از امور دیگر^۱ نیز رعایت آن لازم دانسته شده است.^۱ در کلام قرآن^۲ و

^۱ در امور خیر، میانه روی، توصیه نشده است، بلکه پیشروی و سبقت و انجام زیاد توصیه شده است، توجه شود به آیه ۳۲ سوره فاطر: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ

روایات، اغلب برای بیان این منظور از کلمات قصد و اقتصاد استفاده شده است.^۳ بر اساس این آیات و روایات اقتصاد به معنی میان‌روی، یک مشی عملی توصیه شده از طرف دین برای مسلمانان است.^۴

این مشی به عنوان مبنای رفتار، مورد پذیرش دین است و انسان برای تبعیت از شرع نباید از آن خارج شود. قواعد دیگری نیز از طرف شرع وارد شده است که هدف آنها نیز وارد کردن مسلمانان و مؤمنان به رعایت میان‌روی در امور و نگهداشتن حد اعتدال است. این قاعده به طور عمده در صرف دارایی مد نظر بوده است. چون خروج از میانه روی می‌تواند دو حالت تعدی به بیشتر از میانه یا کمتر از میانه داشته باشد، دو قاعده برای این امر نهاده شده است: ۱- قاعده تحریم اسراف و تبذیر^۵ و ۲- قاعده ممنوعیت تقییر و بخل

مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذَنْ لِلَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ «البته در بعضی از امور خیر که زیاده روی موجب ضرر و زیان است توصیه به میان‌روی است.

^۱ در قرآن در ۶ آیه از ریشه «قصد» استفاده شده است. در این آیات قصد به معنی میان‌روی در امور مختلف مدنظر بوده است. همچنین - در کتب لغت با همین مضمون مترادف دانسته شده است. از جمله: فواد افرام الیستانی؛ منجد الطلاب؛ ذیل «قصد»

- آذرنش، آذرنویس؛ فرهنگ معاصر عربی - فارسی: ذیل «قصد»

- لویس معلوف؛ المنجد الإیجیدی: ذیل «قصد»

- محمد هومن؛ فرهنگ لغات و اصطلاحات اقتصاد اسلامی؛ ذیل «اقتصاد»

- محمد معین؛ فرهنگ فارسی؛ ذیل «قصد»، «اقتصاد» و «مقتصد»

^۲ در قرآن در آیات ۶۶ ماعده / ۴۲ توبه / ۹ نحل / ۱۹ و ۳۲ لقمان و ۳۲ فاطر از کلمات با ریشه «قصد» استفاده شده است که طبق نظر مترجمین و مفسرین، همگی معنای میان‌روی می‌دهند.

^۳ از جمله رجوع شود به آیات یاد شده در زیرنویس قبل و صفحات ۲۵۵، ۷۰ جلد چهارم «الحیاه».

^۴ به برخی از این آیات و روایات اشاره می‌کنیم:

«وَ الْقَصْدُ فِي مَشِيكَ...» (سوره لقمان؛ ۱۹)

«وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانُوا بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان؛ ۶۷)

پیامبر اکرم (ص): «مَنْ اقْتَصَدَ فِي مَعِيَّتِي رَزَقَهُ اللَّهُ وَ مَنْ بَدَّرَ حَرَمَةَ اللَّهِ» (الحیاه، ج ۴، ص ۲۶۵)

پیامبر اکرم (ص): «ما عال من اقتصد» (نهج الفصاحه، ردیف ۲۶۰۱) عین همین حدیث در نهج البلاغه سخن (کلمات قصار) ۱۳۶ از قول حضرت امیر آمده است.

امام علی به فرزندش امام حسن (ع): یا بُنَى اَوْصِيكَ بِتَقْوَالِ اللَّهِ فِي الْغِنَى وَ الْفَقْرِ... وَ الْقَصْدُ فِي الْغِنَى وَ الْفَقْرِ..... «(الحیاه، ج ۴، ص ۲۶۳) در این زمینه احادیث متعددی وجود دارد که برای رعایت اختصار به همین چند نمونه بسنده می‌کنیم. برای اطلاع بیشتر می‌توان رجوع کرده به:

- محمدرضا، حکیمی، و دریگران؛ الحیاه؛ ج ۴، ص ۲۵۵، ۷۰.

- نهج الفصاحه، ردیفهای ۵۴۱، ۱۰۴۵، ۲۱۸۱، ۲۷۰۵ و مانند آن.

^۵ برخی اسراف را زیادریوی در مصرف مال یا انفاق و مانند آن دانسته‌اند. برخی نیز معانی دیگری

برای آن بیان کرده‌اند. (از جمله رجوع شود به: احمد نراقی؛ ۲۵-۲۲۳ و مجتبی باقری؛ ص ۱۱۰ به نقل

از آیت اله منتظری) صحت این معانی کمتر محتمل به نظر می‌رسد. زیرا در آیات قرآن از کلمه اسراف

برای اعمال استفاده شده است که برخی از اعمال، مصرف یا انفاق مال و نظیر آن می‌باشند. برخی از

معانی اسراف نیز چنین آمده است. از اندازه بگذشتن (دستور الاخوان)، گزاف کاری کردن (تاج المصادر)

اسراف عبارت از خرج کردن مال بسیار است در غرضی کوچک؛ و بر معنی تجاوز کردن از حد معمول

است در خرج کردن؛ و گفته‌اند اسراف آن است که شخصی حرام بخرد یا از حلال بیشتر از مقدار حاجت

از نظر شرعی عوامل مختلفی تعیین کننده حد میانه روی در صرف مال شناخته شده‌اند. با این حال می‌توان مهمترین و تعیین کننده ترین این عوامل را به شرح ذیل قلمداد کرد.

۱ - حد اسراف و تقتیر^۲

۲ - حد نیاز فرد^۳

بخورد؛ و گفته‌اند اسراف عبارت از تجاوز در کمیت است؛ اسراف عبارت است از خرج کردن چیزی در محل خود زیاده از حد لازم (تعریفات) مصرف را نیز از حد درگذرنده و گزاف کار (دستورالآخوان) گفته‌اند (فرهنگ لغات و اصطلاحات اقتصاد اسلامی). به این علت برخی مفهوم و مسدق اسراف و تبذیر را یکی دانسته‌اند، در حالی که چنین نیست. از جمله مواردی که این دو مترادف بیان شده‌اند جایی است که مصرف مال و دارایی مدنظر بوده است و در غیر آن تبذیر به کار نرفته است و فقط اسراف بیان شده است تفاوتی دیگری نیز برای این دو مفهوم قایل شده‌اند. از جمله اسراف را زیاده‌روی در مصرف در محل خود و تبذیر را زیاده روی در مصرف غیرمحل خود (تعریفات) (به نقل از فرهنگ اصطلاحات اقتصاد اسلامی). البته برخی تبذیر را به مفهوم انجام زیاده از حد کیفی و اسراف را انجام زیاده از حد کمی دانسته‌اند که احتمال صحت آن کمتر است. آیات مختلف دیگری از قرآن نیز ابعاد دیگری از اسراف را بیان کرده‌اند، از جمله آیات: ۴ آل عمران / ۶ نساء / ۳۲ ماعده / ۱۸۱ اعراف / ۱۲ و ۱۳ یونس / ۹ انبیاء / ۶۷ فرقان / ۱۵۱ شعراء / ۱۹ یس / ۵۳ زمر / ۲۸، ۳۴ و ۴۳ غافر / ۵ زخرف / ۲۱ دفان / ۳۴ ذاریات. و مانند اینها. روایات متعددی نیز در این زمینه وارد شده است که از جمله می‌توان رجوع کرد به: الحیاه؛ جلد ۴؛ ص ۲۲۸، ۵۴ یا کتب روایی دیگر. همچنین برخی از این روایات در ادامه بحث ذکر می‌شود.

^۱ در لغت در معنی تقتیر آمده است: خست به خرج دادن سختگیری در مخارج بر خانواده، قوت لا یموت (منجد الطالب) در قرآن مجید از ریشه «قتیر» در آیات ۲۳۶ بقره / ۲۶ یونس / ۱۰۰ اسراء / ۶۷ فرقان / ۴۱ عیس (۵ بار) استفاده شده است که مترجمین و مفسرین در اولی معنای تنگدستی، دومی معنای فقر و خواری، سومی و چهارمی معنای بخل و آخری معنای خواری و تیرگی روز قیامت را بیان کرده‌اند. در قرآن کلمات مشتق از ریشه «بخل» ۷ بار در آیات ۱۸۰ آل عمران / ۳۷ نساء / ۷۵ توبه / ۳۷ و ۳۸ محمد (ص) / ۲۴ حدید / و ۸ لیل به کار رفته است که همگی معنای مصطلح بخل و خست را در بر دارند و در همه آنها با لحن نکوهیده مورد ذکر قرار گرفته است. کلمات از ریشه «شح» در قرآن ۵ بار در آیات ۱۲۸ نساء / ۱۹ احزاب (۲ بار) / ۹ حشر / ۱۶ تغابن به کار رفته است که همه آنها مفهوم بخل را دارند.

^۲ چنانچه اشاره شد اسراف و تقتیر، دو نوع مقابل در خروج از حد اعتدال یا میانروی است، آیات و روایات یاد شده در مباحث اسراف و تقتیر مبین این امر هستند. مثنی اصلی و صحیح، رعایت اعتدال و میانروی است و برای رعایت این اصل، باید جلوی اسراف و تبذیر و نیز تقتیر را گرفت و اسراف، تبذیر و تقتیر حدودی برای اعتدال است.

^۳ یکی از ملاکهایی که تعیین کننده حد میانه است، نیاز انسان است. نیاز بر اساس شرایط جسمی، تعداد افراد تحت تکفل شأن و منزلت فرد، شرایط روحی و فرهنگی و سایر شرایط فرد و جامعه او تعیین می‌شود. حتی در بعضی موارد نیاز و ضرورت، برخی حرامها را حلال می‌کند از جمله حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«فَدَعَ الْاِسْرَافَ مَقْتَصِدًا وَ ذَكَرَ فِي الْيَوْمِ غَدًا وَ امْسِكْ مِنَ الْمَالِ بِقَدْرِ ضَرُورَتِكَ وَ قَدِّمِ الْقَضْلَ لِيَوْمِ حَاجَتِكَ» (نهج البلاغه؛ نامه ۲۱)
همچنین رجوع شود به روایت مفصلی که در وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۶۰ آمده است / نهج الفصاحه؛ ردیف / ۷۷۶ / الحیاه؛ ج ۴، ص ۲۳.

۳- توصیه به رعایت حد کفاف^۱

۴- توصیه به قناعت^۲

۵- توصیه به زهد^۱

- همچنین امام سجاد (ع) در یکی از ادعیه صحیفه سجاده‌یه چنین می‌خوانند: «... و نعوذ بک من تناول الاسراف و من فقدان الکفاف...» که کفاف همان حد ضرورت و نیاز بیان می‌شود. (صحیفه سجاده‌یه، دعای ۸)

۴ حد کفاف مقداری است که برای رفع نیازها کفایت کند.^۱ به عبارت دیگر، مقدار رفع حاجات می‌باشد. کفاف معانی متفاوتی دارد. در لغت آن را روزی کفایت کننده و مکفی بیان می‌کنند (منجد الطلاب؛ ذیل «کفاف») از نظر فقهی برخی نظیر مجلسی، غزالی و فیض کاشانی آن را مابین فقر و غنا و اول غنا دانسته‌اند. بعضی آن مانند حر عاملی آن را حدی از ارضای نیازها که با تغییر سازگار است می‌دانند. بعضی نیز آن را مصرف متعادل می‌دانند (مجتبی باقری؛ صص ۶-۳۲) و همچنین گفته‌اند «آن قدر معاش که کفایت کند و مستغنی سازد از طلب، و آن روزی و معاش و خرج روزمره باشد (غیاب اللغات) یا روزگذر از روزی و قوت که مستغنی گرداند و از درخواست بازدارد (منتهی الارب) (فرهنگ لغات و اصطلاحات اقتصاد اسلامی).

در قرآن ۱۶ بار از کلماتی با ریشه «کفف» استفاده شده است. اما هیچ یک از آنها از مفهوم کفاف اقتصادی و بحث حاضر نبوده است. اما در روایات این موضوع آمده است که اشاره می‌شود.

توصیه‌های زیادی برای رعایت این حد شده است. می‌توان گفت که کفاف نوعی تعیین حد نیازها می‌باشد که اگر رعایت شود مصارف در حد اعتدال خواهد بود. از جمله روایات در زمینه عبارتند از:

پیامبر اکرم (ص): «افلح من هدی الی الاسلام و کان عیشه کفافاً و قنع به» (نهج الفصاحه؛ ردیف ۴۲۲) - از آنجا که هزینه کردن بیش از حد کفاف، حرکت به سمت اسراف است و هزینه کردن کمتر از حد کفاف، حرکت به سمت تقصیر است، می‌توان گفت حد کفاف یک نوع تعیین حد و اندازه برای مصرفی است که میانروی تلقی می‌شود. زیرا در معنی کفاف گفته شده است «آنچه به قدر حاجت باشد و کم یا زیاد نباشد» (حسن عمید؛ فرهنگ فارسی؛ ذیل «کفاف»/همچنین، محمد، معین؛ فرهنگ فارسی؛ ذیل «کفاف»)

۲ یکی از توصیه‌های جدی دیگر درباره مقدار مصرف، قناعت کردن است. قناعت به مقدار مصرفی می‌گویند که در حد توان مالی شخص است و به تعبیری قناعت به معنی اکتفا به مقدار در دسترس است و در تعبیر دیگر، قناعت به معنی بسنده کردن به مقدار کم و در حد احتیاج بیان شده است. (محمد معین؛ فرهنگ فارسی؛ ذیل «قناعت» / همچنین در معانی آن آورده‌اند: به قسمت خود راضی شدن (منجد الطلاب). البته در مفهوم قناعت تعبیر مختلفی صورت گرفته است از جمله برای قناعت ۲ مرتبه بیان می‌کنند: ۱- شخص به حد کفایت در کسب مال و مصرف قانع باشد، ۲- کب بیش از کفایت اما مصرف در حد کفایت ۳- در مرحله کسب مال و مصرف به آنچه به او می‌رسد حتی زیادتیر از کفاف اکتفا می‌کند (ابوالحسن ماوردی به نقل از مجتبی باقری؛ ص ۷۱).

در روایات، توصیه‌های بسیاری بر این مهم شده است. از جمله احادیث این زمینه عبارتند از:

پیامبر اکرم (ص): «علیکم بالقناعت فان القناعت مال لا ینفد» (نهج الفصاحه؛ ردیف ۱۹۸۰)

پیامبر اکرم (ص): «افلح من هدی الی الاسلام و کان عیشه کفافاً و قنع به» (نهج الفصاحه؛ ردیف ۴۲۲)

همچنین رجوع شود به: حکیمی و دیگران؛ الحیاه، ج ۴، ص ۲۷-۲۴ / نهج الفصاحه؛ ردیفهای ۱۴۶۷، ۲۱۸۷ / و مانند آن.

اهمیت قناعت از این جهت است که ایجاد کننده یک حالت روانی و درونی برای انسان است که مانع از اسراف و خروج از حد اعتدال می‌شود. در روایتی از حضرت علی علیه السلام آمده است که «هرچه به آن قناعت می‌شود حد کفاف است»^۲ «کُلُّ مُتَّصِدٍ عَلَيْهِ كَافٌ (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۴۰۳) از این روایت برداشت می‌شود که از نظر حد می‌توان گفت مقدار قناعت با مقدار کفاف یکی است.

بر اساس آنچه بیان شد رعایت حد اعتدال، یک قاعده اصلی اسلامی برای صرف دارایی است و دستورات و توصیه‌هایی نظیر منع اسراف، تذیر و بخل و رعایت قناعت، حد کفاف، زهد و مانند اینها برای تعیین حدود اعتدال و میانه روی می‌باشند. طبق نظریه انتظار می‌رود مسلمان، ترک محرمانت و عمل به واجبات دینی را برای خود لازم بداند و عمل به مستحبات و ترک مکروهات آن را تعقیب کند.

۱-۱-۲-۳- پرداختهای غیر مصرفی

برخی از قواعد عبادی اسلام، جنبه مالی و اقتصادی دارند. این نوع عبادتها یا خود به صورت پرداخت داراییها انجام می‌شوند (مانند خمس و زکات) یا برای انجام این عبادتها، لازم است دارایی صرف شود. می‌توان اصلی‌ترین عبادتهاى واجب از نوع اول را پرداخت زکات، خمس، سایر مالیاتهای شرعی، کفاره معاصی و نظیر اینها دانست. علاوه بر این موارد، پرداختهای غیر واجب ولی توصیه شده در قالب کمک به دیگران از نوع بخشش مال، صدقه، هدیه و نظیر اینها نیز پرداختهای مالی دیگری هستند که در قرآن و سنت به آن اتفاق گفته‌اند.

الف - مالیاتهای شرعی (پرداختهای واجب)

اسلام نیز مالیاتهایی را برای درآمدها قرار داده است. ویژگی مهم این مالیاتها در مقابل مالیاتهای وضعی توسط دولتها، این است که پرداخت مالیاتهای شرعی نوعی

¹ زهد به معنی ترجیح آنچه نزد خداست به آنچه نزد غیر است. ¹ (یعنی آنچه در دنیا کسب می‌شود) زهد در معنی اصلی و صرفنظر از معنی مذهبی به معنای بی رغبت شدن به چیزی در مقابل چیز بهتر از آن به کار می‌رود در تعبیر کلی‌تر زهد را به معنی بی رغبت شدن به چیز کم ارزش یا روگردانی از چیزی می‌گویند (منجد الطالب؛ ذیل «زهد» / المنجد الأجدی؛ ذیل «زهد» / آذرنوش آذرتاش؛ فرهنگ معاصر عربی - فارسی؛ ذیل «زهد»)

در اسلام یکی از ویژگیهای اخلاقی مثبت است. از ریشه زهد در قرآن فقط یک بار به صورت کلمه زاهدین به کار رفته است. در قرآن از ریشه «زهد» تنها در آیه ۲۰ سوره یوسف استناد شده است. در این آیه زهد به معنی بی رغبتی و بی اعتنایی آمده است که با معنای کلی زهد در اینجا هماهنگ است. همچنین مفسرین و مترجمین قرآن، آیه ۲۳ سوره حدید را با مفهوم زهد ترجمه کرده‌اند: «لکیلا تأسوا علی ما فاتکم و لا تفرحوا بما آتاککم» با این وجود در روایات به کرات درباره آن سخن آمده است. از جمله: پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «إزهد فی الدنیا یُحِبُّک الله و ازهد فیما فی یدى الناس یُحِبُّک الناس» (نهج الفصاحه؛ ردیف ۲۶۸)

توصیه به زهد به طور عمده جنبه اخلاقی دارد. بر اساس مفهوم زهد می‌توان گفت توصیه به زهد نوعی توصیه به عمل خیر و کاهش مصرف غیر ضروری است که در مجموع، نوعی مقابله با اسراف و به عبارتی دیگر، حرکت در جهت اعتدال است. از جمله تعبیری که حضرت علی (ع) در معنای زهد بیان می‌فرماید، چنین است:

«ایها الناس از هاده قصر الامل و الشکر عند النعم و التورع عند المحارم. فان عزب ذالک عنکم فلا یغلب الحرام صبرکم و لا تنسوا عند النعم شکرکم فقد اعد الله لیکم بحجج مسفرة ظاهرة و کتیب بارزه العذر و اضعه» (نهج البلاغه؛ خطبه ۸۰)

بر این اساس می‌توان گفت توصیه به زهد نیز در راستای رعایت حد اعتدال و بسنده کردن به حداقلها قرار می‌گیرد.

عبادت محسوب می‌شود و مسلمانان تلاش می‌کنند این مالیات را طبق آنچه شرع بیان کرده است پرداخت کنند.

۱- **زکات:** زکات تولید، مالیات بر درآمد تولیدی است که از نظر شرعی پرداخت آن واجب است.^۱ که در صدر اسلام به برخی تولیدات دامی و کشاورزی و همچنین طلا و نقره تعلق می‌گرفت.^۲ امروزه نیز پرداخت زکات از سوی مسلمانان رایج است. ضریب این مالیات ۲/۵٪ تا ۱۰٪ است که در شرایط مختلف به تولیدات و درآمدها تعلق می‌گیرد.

نکته قابل توجه اینکه در قرآن در موارد متعددی بر لزوم پرداخت زکات تأکید شده است و زکات در بیشتر موارد همراه و در کنار صلوه (نماز) قرار گرفته است.^۳ این همراهی حاکی از اهمیت زکات در شرع می‌باشد. همچنین این همراهی، مبین عبادت مالی بودن زکات در مقابل عبادت زبانی و جسمی بودن نماز است (البته همه عبادات حالت روحانی و معنوی دارند). با این حال، در صورت شمول آن به افراد، پرداخت آن الزامی می‌شود.

^۱ در قرآن حدود ۶۰ بار کلمه با ریشه «زکو» استفاده شده است. که در نیمی از آنها بمعنای زکات به عنوان مالیات دانسته است و پرداخت آن توصیه شده است. از جمله آیات

^۲ برای توضیح درباره تاریخ زکات در اسلام رجوع شود به:

ابوالقاسم اجتماعی؛ وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا دوران اموی؛ تهران: سروش، ۱۳۶۳، صص ۳۰۹-۴۰.

^۳ درباره دامنه شمول آن، نظرات فقهی متفاوتی وجود دارد. اهل سنت، دامنه شمول آن را به هر نوع درآمد و حتی در بعضی نظرات به هزینه‌های مصرفی نیز تسری می‌دهند. اما در دیدگاه شیعه، نظرات فقها نسبت به صدر اسلام و زمان پیامبر (ص) تفاوت کمتری کرده است. طبق نظر مشهور شیعه، زکات به درآمدهای حاصل از تولید ۹ قلم کالایی که در زمان حضرت رسول اکرم (ص) به آنها حکم داده شده تعلق می‌گیرد. بعضی از فقها نیز به استناد آیات و روایات دیگر شمول زکات را عامتر از این ۹ قلم کالا می‌دانند. دامنه این شمول نزد فقهای شیعه نیز متفاوت است.^۳ (از جمله برای توضیح بیشتر درباره نظرات فقهای شیعه و سنی رجوع شود به: / حسینعلی منتظری؛ زکات/ سیدحسین موسوی راد لاهیجی؛ زکات/ پدرا... دادگر؛ پیشین؛ صص (۳۴۸-۹) با این حال در اینجا مهم آن است که این نوع مالیات به عنوان یک وظیفه شرعی پرداخت می‌شود.

همچنین زکاتی به نام زکات فطره در پایان ماه مبارک رمضان توسط مسلمانان پرداخت می‌شود که به صورت سرانه در هر سال یکبار به افراد تعلق می‌گیرد و مبلغ آن چندان زیاد نیست (در حد ۳ وعده غذا یا ۳ کیلو مواد غذایی غالب یا جامعه به ازای هر فرد می‌باشد). برای توضیح بیشتر از جمله رجوع شود به رساله‌های عملیه یا روح الله موسوی خمینی؛ تحریر الوسیله.

نکته دیگر آنکه، بعضی برداشتهای، هر نوع پرداخت انتقالی تحت عنوان صدقه یا کمک به دیگران را زکات دانسته‌اند. در صورت پذیرش این برداشتهای دامنه زکات بسیار گسترده می‌شود و سهم قابل توجهی از درآمد افراد را در بر می‌گیرد.

همچنین برای اطلاع از حد نصاب، موارد شمول و جزئیات عملی مربوط به اینها از جمله رجوع شود به رساله‌های عملیه با: روح الله موسوی خمینی؛ تحریر الوسیله.

^۴ از جمله آیات ۴۳، ۸۳، ۱۱۰، ۱۷۷ و ۲۷۷ سوره بقره / ۱۴۱ سوره انعام / ۷۷ و ۱۶۲ سوره نساء / ۹، ۱۱، ۱۸ و ۱۷ سوره توبه و مانند اینها.

۲- خمس: خمس نیز یکی از مالیاتهای اسلامی است که در قرآن فقط در یک آیه، لزوم پرداخت آن آمده و موارد شمول آن غنایم بیان شده است.^۱ در تفسیر غنیمت و موارد شمول خمس، نظر اهل سنت با شیعه متفاوت است.^۲ بر این اساس موارد شمول این مالیات برای شیعه بیشتر است. با این وجود مهم این است که این نیز قاعده‌ای شرعی است و نوعی پرداخت مالی واجب محسوب می‌شود و مسلمان باید آن را انجام دهد.

۳- سایر مالیاتهای شرعی: چنانچه حکومت، اسلامی باشد می‌تواند مالیاتهای شرعی دیگری وضع کند، همچنانکه در صدر اسلام، خلفای پیامبر چنین کردند.^۳ علاوه بر این، کفار گناهان نیز بخشی از مالیاتهای مقرر شده شرعی است که صرف فقرا می‌شود.^۴ البته مالیاتهای دیگری نیز وجود دارد که به طور مستقیم به مصرف کننده مسلمان تعلق نمی‌گیرد و شامل او نمی‌شود.^۵

ب- انفاق (پرداختهای مستحب)

یکی از توصیه‌های بسیار جدی اسلام در زمینه اقتصادی که به طور مستقیم به بحث صرف دارایی مربوط می‌شود، انفاق است. هرچند از نظر ریشه لغوی، انفاق به معنی سوراخ، حفره و شکاف زیرزمینی است و در موارد متعددی نیز به معنی کلی هزینه کردن (خرج کردن مال) آمده است.^۶ با وجود اینکه این معنای اصطلاحی و عمومی شده برای انفاق وجود دارد، اما در قرآن و روایات، عبارت انفاق با مفاهیم متفاوتی به کار رفته است. از یک سو انفاق به معنای محدود پرداخت مال به فقرا و نیازمندان و در راه خدا^۷ و از سوی دیگر به معنای وسیع هر نوع هزینه کردن مال^۸ یا حتی در معنای

۱ آیه ۴۱ سوره انفال

۲ هرچند در شیعه نیز نظرات یکسان نیست، اما نظر مشهور در شیعه به استناد عملکرد پیامبر و شرایط تاریخی و نیز روایات ائمه معصومین (س) هر نوع درآمدی با شرایط مازاد بر مصرف سالانه بودن را مشمول خمس می‌دانند. (برای توضیح بیشتر از جمله رجوع شود به: حبیبعلی منتظری؛ خمس/ ناهنر مکارم شیرازی؛ خمس / پدیده دادگر؛ پیشین، صص ۳۶-۳۳) در حالی که اهل سنت در تفسیر این آیه، غنایم را شامل گنج، غنایم جنگی و نظیر اینها می‌دانند. بر اساس فقه شیعه، مقدار خمس ۲۰٪ (۵) و موارد شمول آن غنایم جنگی، گنج، جواهراتی که از دریا بیرون می‌آید (مانند مروارید)، درآمد مازاد بر مصرف سالانه، مال مخلوط به حرام، معادن طلا، نقره، نفت و نظیر آن می‌باشد. بر این اساس موارد شمول این مالیات برای شیعه بیشتر است. خرید زمین توسط کافر ذمی از مسلمانان نیز خمس دارد که بر عهده خریدار است. برای اطلاع بیشتر از موارد شمول از جمله رجوع شود به: روح الله الموسوی الخمینی؛ تحریر الوسیله.

۳ از جمله عشور که مالیات ۱۰٪ است و در زمان خلیفه دوم وضع شد. برای توضیح بیشتر مراجعه شود به: ابوالقاسم اجتهادی؛ پیشین، صص ۵۳-۲۴۹.

۴ برای توضیح بیشتر رجوع شود به: - روح الله الموسوی الخمینی؛ تحریر الوسیله

۵ از جمله جزیه که کفار ذمی آن را می‌پردازند، خراج که مالیات بر اراضی عمومی است و نظیر اینها.

۶ محمد هومن فرهنگ لغات و اصطلاحات اقتصادی اسلامی (به نقل از دستور الاخوان) ذیل «انفاق»

۷ همچنان: منجد الطلاب ذیل «نفاق» و حسن عمید؛ فرهنگ فارسی؛ ذیل «انفاق»

۸ از جمله آیات ۳، ۱۹۵، ۲۱۵، ۲۱۹، ۲۵۴، ۲۶۱ و ۲۷۰ سوره بقره و مانند آن.

۹ از جمله آیات ۳۶ و ۶۳ انفال، / ۲۶۷ بقره، / آل عمران ۱۱۷ و مانند اینها.

هزینه کردن مال برای مبارزه با دین خدا^۱ و در مقابل آن هزینه کردن مال در راه خدا و هزینه‌های متفاوت دیگر به کار رفته است.^۲ با وجود این تعبیر مختلف که انفاق را هر نوع هزینه کردن مال می‌داند. در برخی موارد، انفاق با قیداً فی سبیل الله و نظیر آن از انفاقهای دیگر جدا شده است. در بعضی موارد نیز وقتی کلمه انفاق به کار رفته است، منظور انفاق فی سبیل الله بوده است که به معنی هزینه کردن مال در راه خدا است.

آنچه بیشتر در اینجا مدنظر ما می‌باشد انفاق به معنای هزینه کردن مال در راه خداست که در دین به آن توصیه‌های زیادی شده است. حتی در بعضی موارد، واجب تلقی می‌شود.^۳ با این حال می‌توان فهرست آنچه در مجموع در قالب انفاق گنجانده شده است را به شرح ذیل نام برد:

نفقہ همسر و فرزندان، نفقه سایر بستگان (درجه یک و دو)، خمس، زکات (مال و بدن) سایر مالیاتهای شرعی، پرداخت مال برای مبارزه با دشمن دین و خدا (جهاد مالی) کفارات (روزه، تراشیدن سر در حج قبل از قربانی، شکستن سونگند، صید در حرم، ظهار) قربانی در حج (یا هدی) سایر قربانیها، دیات، وصیت (ثلث ترکه)، نذر، عهد، قسم، وقف، قرض الحسنه، صدقه، حبس، هبه، هدیه و هر نوع پرداخت دیگری که در راه خدا (فی سبیل الله) باشد.^۴

۱ آیه ۳۶ سوره انفال

۲ برای توضیح بیشتر از جمله رجوع شود به: پداز، دادگر، پیشین، صص ۲۴۵-۷.

۳ از جمله آیات قرآن در این زمینه عبارتند از:

«یا ایها الذین آمنوا انفقوا مما رزقناکم من قبل ان یاتی یوم لا ینفع فیہ ولا ضفاعة» (بقره؛ ۲۵۴)
 «أمنوا بالله ورسوله و انفقوا مما جعلکم مستخلفین فیہ فالذین آمنوا منکم و انفقوا لهم اجر کبیر» (حدید؛ ۷)
 در قرآن آیات متعددی در این زمینه بیان شده است که به همین مقدار بسنده می‌کنیم.^۳ (از جمله آیات در این زمینه عبارتند از: ۳، ۲۱۵، ۲۱۹، ۲۷۰ بقره / ۱۷ آل عمران / ۲۹ نساء / ۲ انفال / ۳۴ و ۳۵ حج / ۵۴ قصص / ۱۶ سجده / ۳۹ سبأ / ۳۸ شوری / ۳۸ محمد (ص) / ۷ حدید / ۱۰ منافقون و مانند اینها)

۴ در موارد قابل توجهی انفاق در کنار صلوه (نماز) بیان شده است. از این جهت برای انفاق جایگاه عبادی ویژه‌ای در نظر گرفته شده است. طبق بعضی دیدگاهها، انفاق به معنی هر پرداختی که در راه خدا انجام می‌شود، شامل: خمس، زکات، کفاره، فدیة، وقف، نذر، انواع نفقه واجب و مستحب، قرض الحسنه، صدقه و نظیر اینها می‌شود. (از جمله رجوع شود به: سید جمال الدین موسوی اصفهانی؛ ص ۴۴۹).

بر این اساس انفاق به صورت یک مجموعه جامع از پرداختهای دینی تلقی خواهد شد که قصد قربت، شرط پذیرش آن است. اگر این معنا را در نظر بگیریم تقریباً می‌تواند قریب به اتفاق هزینه‌های مسلمان را در بر بگیرد. اما آنچه در عرف، بیشتر به انفاق مشهور است هزینه کردن برای غیر خود، البته به شرط قربت است.

۴ شاید بتوان گفت با این تعریف هر نوع هزینه مورد پذیرش شرع (واجب، مستحب و مباح) در دامنه انفاق جای می‌گیرد. البته بدیهی است اگر این انفاق یا هر عمل دیگری به قصد قربت انجام نشود، پاداش الهی نخواهد داشت یا حداقل پاداش الهی موردانتظار را نخواهد داشت. با این حال آیاتی از قرآن، مبین این مفهوم از انفاق (یعنی هر نوع خرج قابل قبول) هستند.^۴ در مقابل آیات و احادیثی وجود دارند که بین برخی از این هزینه‌ها با انفاق تفاوت قابل شده‌اند، مثل:

«و ما انفقتم من نفقه او نذرتم من نذر فان الله یعلمه و ماللظالمین من انصار» (بقره؛ ۲۷۰)

۴-۲-۱- قواعد عبادی هزینه‌دار

در برنامه زندگی اسلام، قواعد خاصی نیز برای عبادت وجود دارد. برخی از قواعد عبادی اسلام که برای زندگی انسانها توصیه شده است، واجب و بعضی مستحب است (البته قواعد اقتصادی یاد شده نیز عبادت محسوب می‌شوند و بعضی واجب و برخی مستحب می‌باشد). از جمله عبادتهای اصلی واجب عبارتند از:

نمازهای روزانه (۱۷ رکعت)، روزه ماه رمضان، یک بار حج (تمتع) در صورت تحقق شرایط. علاوه بر این موارد جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و نظیر اینها در صورت لزوم و وجود شرایط از واجبات محسوب می‌شوند. عبادتهای مستحب مشابه نیز وجود دارند از جمله: نمازهای مستحب و هر نوع راز و نیاز با خدا و استغفار، روزه مستحب، حج مجدد و عمره، زیارت، صله رحم و مانند اینها. به علاوه هر نوع کار خیری که به نوعی به دیگران فایده مادی، معنوی، روحی و مانند این برساند و نیز خلوص نیت الهی در هر عملی که انسان انجام می‌دهد و نظیر اینها.

انجام عبادتهای واجب برای مسلمانان، الزامی است و عبادتهای مستحب اختیاری است. اگر انسان بخواهد رضایت بیشتر خدا، تقرب بیشتر به خدا یا موقعیت اخروی بهتر کسب کند، می‌تواند امیدوار باشد با انجام این اعمال - در صورت خلوص نیت و داشتن ایمان که لازمه خلوص نیت است - به هدف می‌رسد.

عبادتهای مختلف از جمله موارد یاد شده از دو جهت هزینه در بردارند. یکی اینکه اگر فردی این عبادتها را انجام دهد، ناچار است بخشی از وقت خود را صرف این امور کند و در صورت وجود فرصت مناسب، از کسب درآمد بیشتر محروم می‌شود. از طرف دیگر، فرد برای انجام این عبادتها - در بیشتر موارد - لازم است بخشی از دارایی خود را صرف این امور کند.

در پایان ذکر این نکته نیز لازم است که عمل به این قواعد شرط مسلمانی نیست، بلکه طبق دیدگاههای رایجتر هر مسلمانی اینها را رعایت می‌کند و عمل نکردن به آنها می‌تواند نفی مسلمانی کند.

رسول الله (ص): «دینار انفقته فی سبیل الله و دینار انفقته فی رقیبه و دینار تصدقت به علی مسکین و دینار انفقته علی اهلک اعظمها اجرا الذی انفقته علی اهلک» (نهج الفصاحه؛ ردیف ۱۵۸۰)
البته آیاتی که انفاق را عام دانسته‌اند بیشتر هستند. هر چند برخی از موارد یاد شده داخل انفاق ننگند، اما قریب به انفاق آنها در تعبیر مختلف داخل انفاق قرار دارند.

در اینجا به این نکته نیز اشاره می‌کنیم که هر چند دستورات زیادی به انفاق در اشکال مختلف آن صادر شده است، اما در این زمینه نیز رعایت اعتدال و اقتصاد توصیه شده است، از جمله:

«یسنلونک ماذا ینفقون قل العفو» (بقره؛ ۲۱۹)

«کلاوا و اشربوا و تصدقوا و البسوا فی غیر اسراف و لا مخیله» (نهج الفصاحه؛ ردیف ۲۱۸۱)

«و الذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذالک قواما» (فرقان؛ ۶۷)

۲- بررسی تجربی

برای آزمون، یعنی برای اینکه ببینیم آیا مسلمانان این قواعد و ضوابط را رعایت می کنند، رفتارهای اقتصادی مردم ایران را در یک نمونه محدود به صورت تجربی بررسی می کنیم. در اینجا بر اساس یک نمونه آماری ۶۰۰ نفری از جامعه شیاعلین مشاغل غیر دولتی محدوده مرکزی شهر تهران، داده‌های موردنیاز برای بعضی از رفتارهای قابل سنجش جمع‌آوری و تحلیل می‌شود. این داده‌ها با استفاده از پرسشنامه بدون نام و نشانی که از طریق پست عودت داده می‌شد، جمع‌آوری و برای تحلیل از روشهای آمار توصیفی استفاده می‌شود.

۲-۱- رعایت قواعد کسب درآمد

برای بررسی رعایت قواعد اسلامی در کسب درآمد دو معیار قابل بررسی را انتخاب کرده‌ایم. یکی رعایت انصاف در کالا یا خدمت تحویلی به خریدار از لحاظ مقدار و دیگری استفاده از سرمایه خود برای کسب درآمد از لحاظ ربوی بودن یا نبودن و به کارگیری درآمد برای اعطای قرض الحسنه در مقابل راههای دیگر بهره برداری از آن. برای بررسی معیار اول از پاسخگویان پرسیده شده است که در فروش کالاها یا خدماتشان نسبت به پولی که دریافت می‌کنند، چه مقدار کالا یا خدمت تحویل می‌دهند. ارایه پاسخ به صورت یکی از پنج گزینه مندرج در جدول شماره «۱» امکانپذیر بوده است. در اینجا می‌توان دو پاسخ آخر یعنی عمل به صورتی که حتماً به نفع خودشان باشد یا اینکه خودشان ضرر نکنند را ملاک تعدی از احکام بدانیم و ۳ حالت دیگر را که تحویل کالا به مقدار یا بیشتر از مقدار را نشان می‌دهد ملاک رعایت قواعد اسلامی بدانیم. در این صورت ۸۲/۵٪ پاسخگویان، این قاعده اسلامی را رعایت می‌کنند و ۱۷/۵٪ از ایشان این قاعده را رعایت نمی‌کنند.

جدول شماره «۱»: رعایت انصاف در فروش کالاها و خدمات (منع کم فروشی)

برای کسب درآمد

پاسخ (۱)	تعداد (۲)	درصد از کل (۳)	درصد پاسخ داده شده (۴)	درصد تجمعی (۵)
کمی بیشتر تحویل دهم	۱۴۱	۲۵/۷	۳۰/۹	۳۰/۹
طرف خریدار را بگیرم	۹۵	۱۷/۳	۲۰/۸	۵۱/۶
دقیقاً به مقدار تحویل دهم	۱۴۱	۲۵/۷	۳۰/۹	۸۲/۵
خودم ضرر نکنم (حتی به زیان دیگران)	۶۷	۱۲/۲	۱۴/۷	۹۷/۲
حتماً به نفع من باشد (حتی به زیان دیگران)	۱۳	۲/۴	۲/۸	۱۰۰/۰
جمع پاسخ داده شده	۴۵۷	۸۲/۴	۱۰۰	
بی پاسخ	۹۱	۱۶/۶		
جمع کل	۵۴۸	۱۰۰		

برای تشخیص معیار استفاده از سرمایه خود، پنج پرسش مطرح شده است که به این صورت می‌باشند: آیا در یک سال گذشته سرمایه‌گذاری شغلی، نزد بانک، بورس و سرمایه‌گذاریهای مشابه داشته‌اید؟ آیا سرمایه‌گذاری با سود ثابت نزد مردم داشته‌اید؟ آیا وام با سود ثابت به دیگران داده‌اید؟ آیا وام یا قرض بدون سود به دیگران داده‌اید؟ آیا سپرده قرض‌الحسنه بانکی داشته‌اید؟

پاسخگویان می‌توانسته‌اند به عنوان پاسخ، بله، خیر و تعداد عمل را اعلام کنند. نتایج این پنج پرسش در جدول شماره «۲» آورده شده است. بر اساس این نتایج، ۷۰ نفر، یعنی ۱۶/۸٪ پاسخگویان این قاعده اسلام را رعایت نمی‌کنند. یکی از راههای کسب درآمد که اسلام با آن مخالفت کرده است اخذ ربا است. برای بررسی عملکرد مردم در این زمینه دو پرسش مطرح شده است: یکی درباره سرمایه‌گذاری با نرخ سود ثابت نزد دیگران و دیگری دادن وام با سود ثابت به دیگران است. ۷ نفر از پاسخگویان مورد اول و ۶ نفر به مورد دوم پاسخ مثبت داده‌اند. می‌توان گفت این افراد قاعده تحریم ربا را رعایت نکرده‌اند. این تعداد به ترتیب ۱/۱۵٪ و ۱/۱۴٪ کسانی است که به این پرسش پاسخ داده‌اند.

دو پرسش دیگر درباره استفاده از سرمایه خود در راه اعطای قرض الحسنه به دیگران بوده است. ۹۶ نفر از افرادی که به این پرسش پاسخ داده‌اند اعلام کرده‌اند که به دیگران قرض‌الحسنه داده‌اند و ۶۶ نفر نیز اعلام کرده‌اند سپرده قرض‌الحسنه بانکی دارند که به ترتیب ۲۴/۹٪ و ۱۶/۴٪ از پاسخگویان را در بر می‌گیرد.

در مقایسه فراوانیهای پاسخهای مثبت و منفی به این پنج پرسش، مشاهده می‌شود که ۱۶/۸٪ افراد از سرمایه خود برای کسب سود مشروع بهره برده‌اند و تنها حدود ۱/۵٪ از ایشان سرمایه خود را در راه فعالیت‌های ربوی به کار برده‌اند. با این وجود ۲۴/۵٪ این افراد از سرمایه خود برای اعطای قرض الحسنه به دیگران استفاده برده‌اند. ۱۶/۴۹٪ نیز سپرده قرض‌الحسنه بانکی داشته‌اند. بر این اساس درصد ناچیزی از افراد از قاعده تحریم ربا تعدی کرده‌اند و در مقابل درصد قابل توجهی نیز به عمل اعطای قرض الحسنه که مستحب است نیز پرداخته‌اند. حتی این درصد به طور معنی‌داری بیش از (درصد و تعداد) افرادی است که به اقدام مباح سرمایه‌گذاری برای کسب منفعت مشروع مبادرت کرده‌اند.

جدول شماره «۲»: نحوه استفاده از سرمایه برای کسب درآمد یا امور دیگر

ردیف	پریش	پاسخ (۱)	تعداد (۲)	درصد از کل (۳)	درصد پاسخ داده شده (۴)	درصد جمع
۱	سرمایه گذاری شغلی، نزد بانک، بورس و سایر سرمایه گذاری مشابه	بله	۷۰	۱۲/۸	۱۶/۸	۱۶/۸
		خیر	۳۴۷	۶۳/۳	۸۳/۲	۱۰۰
		جمع پاسخها	۴۱۷	۷۶/۱	۱۰۰	
		بی پاسخ	۱۳۱	۲۳/۹		
۲	سرمایه گذاری با سود ثابت نزد مردم (دیگران)	بله	۷	۱/۳	۱/۵	۱/۵
		خیر	۴۳۰	۷۸/۵	۹۸/۵	۱۰۰
		جمع پاسخها	۴۳۷	۷۹/۷	۱۰۰	
		بی پاسخ	۱۱۱	۲۰/۳		
۳	دادن وام با سود ثابت به دیگران	بله	۶	۱	۱/۴	-۱/۴
		خیر	۴۳۱	۷۸/۶	۹۸/۶	۱۰۰
		جمع پاسخها	۴۳۷	۷۹/۶	۱۰۰	
		بی پاسخ	۱۱۱	۲۰/۴		
۴	دادن وام یا قرض بدون سود به دیگران (قرض الحسنه)	بله	۹۶	۱۷/۵	۲۴/۹	۲۴/۹
		خیر	۲۹۰	۵۲/۹	۷۵/۱	۱۰۰
		جمع پاسخها	۳۸۶	۷۰/۴	۱۰۰	
		بی پاسخ	۱۶۲	۲۹/۶		
۵	سپرده قرض الحسنه نزد بانک	بله	۶۶	۱۲/۰	۱۶/۴	۱۶/۴
		خیر	۳۳۷	۶۱/۵	۸۳/۶	۱۰۰
		جمع پاسخها	۴۰۳	۷۳/۵	۱۰۰	
		بی پاسخ	۱۴۵	۲۶/۵		
		جمع کل	۵۴۸	۱۰۰		

۲-۲- رعایت قواعد صرف هزینه

چنانچه در مباحث نظری اشاره شد ۴ دسته قواعد اصلی برای صرف هزینه در اسلام وجود دارد. بررسی تجربی برخی از این موارد با مشکلاتی مواجه است. در باره بررسی رفتار افراد در زمینه قواعد مربوط به نوع کالاها و خدمات مصرفی این مشکل وجود دارد که کالاها و خدمات حرام در جامعه عرضه رسمی ندارد. لذا بررسی مصرف آنها در بسیاری از موارد غیر ممکن است و در موارد معدودی که امکان پذیر است غیر دقیق است و نمی توان به نتایج این گونه بررسیها اعتماد زیاد کرد. البته با صرف زمان و امکانات زیاد، بخشی از این نقایص قابل رفع است که در مجال این مقاله نیست. در باره قواعد مربوط به حد مصرف، این مسأله وجود دارد که برای هر فرد متناسب با شأن و منزلت اجتماعی، تعداد اعضای خانوار، شرایط محیطی و عوامل مختلف دیگر، حد مصرف متفاوت است. از اینرو بررسی گسترده و قابل اتکا در این زمینه نیز، مستلزم صرف زمان و هزینه قابل توجهی است که امکان بررسی گسترده در مطالعه حاضر وجود ندارد.

در زمینه قواعد مربوط به هزینه های غیرمصرفی واجب، پرداختهای مالی واجب (خمس و زکات) به راحتی قابل بررسی هستند، اما بررسی اعمال مذهبی دیگر که نیازمند انجام هزینه هستند با دشواری بیشتری مواجه می باشد. بر این اساس در مقاله حاضر علاوه بر بررسی انطباق رفتارهای افراد با برخی قواعد کسب درآمد، به بررسی رفتارهای افراد در انطباق با برخی قواعد صرف هزینه می پردازیم.

۲-۲-۱- رعایت پرداخت واجبات مالی

برای بررسی تعهد افراد به انجام پرداختهای مالی واجب، چهار موضوع پرسش شده است: خمس، زکات، نفقه خانواده و حج. خمس و زکات، پرداختی واجب مالی است. تعهد و ترجیح نفقه همسر و فرزندان، نوع دیگر تعهد مالی است و انجام حج در صورت ایجاد شرایط تمتع از نوع واجباتی است که مستلزم صرف هزینه می باشد. بر اساس نتایج بررسی انجام شده ۸۳٪ از خانوارهای مورد بررسی در جامعه به پرداخت خمس معتقد هستند که به بعضی از آنها (۲۹٪) خمس تعلق نمی گیرد. ۲۴/۱٪ از ایشان هر سال خمس پرداخته اند. ۵۹٪ از این افراد نیز در بعضی سالها خمس می پردازند. چنانچه ملاک عدم تعهد به پرداخت خمس را نپرداختن همراه با عدم اعتقاد در نظر بگیریم، ۱۷٪ افراد مورد بررسی به این قاعده مالی بی تعهد هستند.

در باره پرداخت زکات نیز وضعیت مشابهی وجود دارد. ۱۶/۴٪ افراد (خانوارهای) مورد بررسی اعتقاد به پرداخت زکات ندارند. ۳۶/۳٪ اظهار کرده اند که زکات به ایشان تعلق نمی گیرد. ۴۷/۳٪ نیز یا هر سال یا در برخی سالها زکات پرداخته اند.

جدول شماره «۳»: تعهد به پرداختهای واجب مالی - خمس

پاسخ (۱)	تعداد (۲)	درصد از کل (۳)	درصد پاسخ داده شده (۴)	درصد تجمعی (۵)
هرسال پرداخت می‌کنم	۱۱۲	۲۰/۴	۲۴/۱	۲۴/۱
اغلب سالها پرداخت می‌کنم	۴۲	۷/۷	۹/۱	۳۳/۲
بعضی سالها پرداخت می‌کنم	۳۱	۵/۷	۶/۷	۳۹/۹
به ندرت پرداخت می‌کنم	۶۴	۱۱/۷	۱۳/۸	۵۳/۷
تعلق نمی‌گیرد	۱۳۶	۲۴/۸	۲۹/۳	۸۳/۰
اعتقاد ندارم	۷۹	۱۴/۴	۱۷/۰	۱۰۰
جمع پاسخ داده شده	۴۶۴	۸۴/۷	۱۰۰	
بی پاسخ	۸۴	۱۵/۳		
جمع کل	۵۴۸	۱۰۰		

جدول شماره «۴»: تعهد به پرداختهای واجب مالی - زکات

پاسخ (۱)	تعداد (۲)	درصد از کل (۳)	درصد پاسخ داده شده (۴)	درصد تجمعی (۵)
هرسال پرداخت می‌کنم	۹۲	۱۶/۸	۲۰/۴	۲۰/۴
اغلب سالها پرداخت می‌کنم	۴۲	۷/۷	۹/۳	۲۹/۶
بعضی سالها پرداخت می‌کنم	۳۰	۵/۵	۶/۶	۳۶/۳
به ندرت پرداخت می‌کنم	۵	۹/۱	۱۱/۱	۴۷/۳
تعلق نمی‌گیرد	۱۶۴	۲۹/۹	۳۶/۳	۸۳/۶
اعتقاد ندارم	۷۴	۱۳/۵	۱۶/۴	۱۰۰
جمع پاسخ داده شده	۴۵۲	۸۲/۵	۱۰۰	
بی پاسخ	۹۶	۱۷/۵		
جمع کل	۵۴۸	۱۰۰		

۲-۲-۲- قاعده حد مصرف

برای بررسی این قاعده لازم است هر فرد را به طور خاص و متناسب با شرایط ویژه خودش بررسی کنیم. انجام این کار به طور کامل دشوار و نیازمند صرف زمان و هزینه بسیار است. با این وجود برای سنجش حد رعایت قاعده تأمین نفقه خانواده (همسر و فرزندان) از دو ملاک کلی تر استفاده می‌کنیم: یکی اینکه سرپرست خانوار چه مقدار به تأمین نیازهای خانواده - نسبت به آنچه نیاز خود می‌داند - اهمیت قایل است و دیگری بررسی نسبت هزینه‌ها به درآمدهای کل خانوار که برای تشخیص ملاک اول یک پرسش و برای تشخیص ملاک دوم چند پرسش مطرح شده است.

تأمین نفقه یا به تعبیر ساده نیازهای همسر و فرزندان از واجباتی است که افراد باید رعایت کنند. چنانچه ملاک ترجیح همیشه خود به همسر و فرزندان برای هزینه کردن دارایی را تعدی از این اصل بدانیم، با توجه به پاسخهای داده شده، ۱۱/۵٪ افراد و چنانچه ترجیح همیشه و اغلب موارد را ملاک این تعدی بدانیم ۱۷/۹٪ افراد از این قاعده تخطی می‌کنند (جدول شماره «۵»).

جدول شماره «۵»: انفاق واجب - توجه به نفقه همسر و فرزندان (ترجیح اعضای خانواده به خود در هزینه)

پاسخ (۱)	تعداد (۲)	درصد از کل (۳)	درصد پاسخ داده شده (۴)	درصد تجمعی (۵)
همیشه همسر و فرزندان را ترجیح می‌دهم	۱۱۷	۲۱/۴	۲۵/۰	۲۵/۰
در اغلب موارد همسر و فرزندان را ترجیح می‌دهم	۱۳۶	۲۴/۸	۲۹/۱	۵۴/۱
در بعضی موارد همسر و فرزندان را ترجیح می‌دهم	۷۷	۱۴/۱	۱۶/۵	۷۰/۶
به ندرت همسر و فرزندان را ترجیح می‌دهم	۵۴	۱۰/۳	۱۷/۹	۸۸/۵
هیچ وقت آنها را ترجیح نمی‌دهم	۵۴	۹/۹	۱۱/۵	۱۰۰
جمع پاسخ داده شده	۴۶۸	۸۵/۴	۱۰۰	
بی پاسخ	۸۰	۱۴/۶		
جمع کل	۵۴۸	۱۰۰		

۲-۲-۳- عبادتهای واجب هزینه دار

از اصلی ترین واجبات عبادی هزینه دار، حج می‌باشد. در زمینه تعهد به انجام عبادتهای واجب هزینه دار در این بررسی، حج ملاک قرار گرفته است. در بررسی این موضوع، تعهد و تمایل به انجام حج در صورت فراهم شدن شرایط برای افراد، مورد پرسش قرار گرفته است. پاسخ این پرسش ۳ گزینه‌ای: «بله حتماً»، «بله ممکن است» و «خیر، چون کارهای مهمتری دارم» بوده است. چنانچه پاسخ «بله حتماً» را ملاک رعایت شرع بدانیم، ۵۸/۳٪ پاسخگویان رعایت کننده این قاعده

خواهند بود و در صورتی که پاسخ «خیر چون کارهای مهمتری دارم» را ملاک عدم رعایت قواعد شرع بدانیم، $۸۱/۴\%$ رعایت کننده این قاعده و $۱۸/۶\%$ افراد را تخطی کننده از این قاعده خواهیم دانست.

جدول شماره «۶»: تعهد و تمایل به انجام واجبات مذهبی هزینه دار - حج

پاسخ (۱)	تعداد (۲)	درصد از کل (۳)	درصد پاسخ داده شده (۴)	درصد جمعی (۵)
بله حتماً	۲۶۰	۴۷/۴	۵۸/۳	۵۸/۳
بله ممکن است	۱۰۳	۱۸/۸	۲۳/۱	۸۱/۴
خیر چون کارهای مهمتری هست	۸۳	۱۵/۱	۱۸/۶	۱۰۰
جمع پاسخ داده شده	۴۴۶	۸۱/۴	۱۰۰	
بی پاسخ	۱۰۲	۱۸/۶		
جمع کل	۵۴۸	۱۰۰		

۴-۲-۲- هزینه های غیر واجب - مستحب

۴-۲-۲-۱- انفاق مال به دیگران

جنبه اصلی انفاق، به معنای رایج بخشش مال به صورتهای مختلف به دیگران است. به طور عمده این گونه پرداختها مستحب هستند. رایجترین این نوع پرداختها، صدقه است. در دین اسلام توصیه های فراوانی به صدقه شده است. $۱/۴$ افراد بررسی شده در پاسخ به این پرسش که چه مقدار صدقه می دهید؟ اعلام کرده اند: «هیچ وقت». در مقابل، $۹۸/۴\%$ اعلام کرده اند که صدقه می پردازند. از این افراد، $۶/۲\%$ به ندرت، $۲۷/۷\%$ در بعضی روزها، $۳۰/۸\%$ در بیشتر روزها و $۷/۳۳\%$ تقریباً هر روز صدقه پرداخت می کنند. به این صورت قریب به اتفاق افراد بررسی شده به این قاعده عمل می کنند.

در کنار این پرسش، چهار پرسش دیگر نیز درباره انفاق مال به دیگران مطرح شده است که در پاسخ به این پرسش که آیا در یک گذشته به صورت بلاعوض به دیگران مال بخشیده اید. $۳۳/۳\%$ اجواب مثبت داده اند. در پاسخ به اینکه آیا به موسسات خیریه، جشنهای نیکوکاری و مؤسسات مشابه کمک کرده اید؟ $۲۳/۲\%$ پاسخ مثبت داده اند. در

جدول شماره «۷»: انفاق مال به دیگران - صدقه

پاسخ (۱)	تعداد (۲)	درصد از کل (۳)	درصد پاسخ داده شده (۴)	درصد تجمعی (۵)
تقریباً هر روز صدقه	۱۶۳	۲۹/۷	۳۳/۷	۳۳/۷
در بیشتر روزها	۱۴۹	۲۷/۲	۳۰/۸	۶۴/۵
در بعضی روزها	۱۳۴	۲۴/۵	۲۷/۷	۹۲/۲
به ندرت	۳۰	۵/۵	۶/۲	۹۸/۹
هیچ وقت	۷	۱/۳	۱/۴	۱۰۰
جمع پاسخ داده شده	۴۸۳	۸۸/۱	۱۰۰	
بی پاسخ	۶۵	۱۱/۹		
جمع کل	۵۴۸	۱۰۰		

پاسخ به این پرسش که آیا به آسیب دیدگان حوادث طبیعی داخل کشور کمک کرده‌اید؟ ۲۵/۲٪ جواب مثبت داده‌اند. به این پرسش که آیا به آسیب دیدگان حوادث طبیعی و جنگهای خارج از کشور کمک کرده‌اید؟ ۵/۸٪ پاسخ مثبت داده‌اند. همچنین به این پرسش که آیا به نهادهای عمومی دیگر (هلال احمر، ستادهای نماز جمعه) و نظیر اینها کمک کرده‌اید؟ ۲/۳٪ پاسخ مثبت داده‌اند.

به این ترتیب می‌بینیم که بخش قابل توجهی از افراد جامعه به این نوع انفاقهای مستحب عمل می‌کنند. به ویژه چون این انفاقها پرداخت واجب نیستند، درصد فراگیری قابل توجهی را نشان می‌دهند.

جدول شماره «۸»: انفاق از نوع کمک به نیازمندان خاص

پرسش	پاسخ	تعداد (۲)	درصد از کل (۳)	درصد از پاسخهای داده شده (۴)	درصد تجمعی (۵)
آیا در یک سال گذشته بخشش مال بلاعوض به دیگران داشته‌اید؟	بله	۱۲۱	۲۲/۰	۳۳/۳	۳۳/۳
	خیر	۲۴۲	۴۴/۲	۶۶/۷	
	جمع پاسخها	۳۶۳	۶۶/۲	۱۰۰	
	بی پاسخ	۱۸۵	۳۳/۸		
	جمع کل	۵۴۸	۱۰۰		
آیا در یک سال گذشته کمک به مؤسسات خیریه، جشنهای نیکوکاری و داشته‌اید؟	بله	۹۰	۱۶/۴	۲۳/۲	۲۳/۲
	خیر	۲۹۸	۵۴/۴	۷۶/۸	۱۰۰
	جمع پاسخها	۳۸۸	۷۰/۸	۱۰۰	
	بی پاسخ	۱۶۰	۲۹/۲		
	جمع کل	۵۴۸	۱۰۰		
آیا در یک سال گذشته کمک به آسیب دیدگان حوادث طبیعی داخل کشور داشته‌اید؟	بله	۱۰۹	۱۹/۹	۲۵/۲	۲۵/۲
	خیر	۳۳۳	۵۸/۹	۷۴/۸	۱۰۰
	جمع پاسخها	۴۳۲	۷۸/۸	۱۰۰	
	بی پاسخ	۱۱۶	۲۱/۲		
	جمع کل	۵۴۸	۱۰۰		
آیا در یک سال گذشته کمک به آسیب دیدگان حوادث طبیعی و جنگهای خارج از کشور داشته‌اید؟	بله	۲۶	۴/۷	۹۴/۲	۱۰۰
	خیر	۴۱۹	۷۶/۵	۱۰۰	
	جمع پاسخها	۴۴۵	۸۱/۲		
	بی پاسخ	۱۰۳	۱۸/۸		
	جمع کل	۵۴۸	۱۰۰		
آیا در یک سال گذشته کمک به نهادهای عمومی دیگر (هلال احمر، ستادهای نماز جمعه و ..) داشته‌اید؟	بله	۱۰	۱/۸	۲/۳	۲/۳
	خیر	۴۲۱	۷۶/۸	۹۷/۷	۱۰۰
	جمع پاسخها	۴۳۱	۷۸/۶	۱۰۰	
	بی پاسخ	۱۱۷	۲۱/۴		
	جمع کل	۵۴۸	۱۰۰		

۲-۲-۴-۲- هزینه مراسم و اماکن مذهبی

بخشی از هزینه‌های مذهبی مستحب، هزینه برای برگزاری مراسم مذهبی و کمک به اماکنی است که مراسم مذهبی در آنها برگزار می‌شود. برای بررسی این نوع هزینه‌ها ۵ پرسش مطرح شده است. پاسخ این پرسشها به صورت بله / خیر حاکی از آن است که ۱۹/۶٪ از افراد مورد بررسی طی سال ۱۳۸۰ به تکیه، حسینیه، هیأت و نهادهای مشابه کمک کرده‌اند. ۲۰٪ از افراد مورد بررسی به مسجد یا اماکن متبرکه دیگر کمک مالی داشته‌اند. ۱۵/۲٪ افراد بررسی شده مراسم مذهبی در منزل خود برگزار کرده‌اند ۸/۱۷٪ افراد در ایام عزاداری محرم و مراسم مذهبی دیگر قربانی نذری داشته‌اند و ۱۹/۸٪ پاسخ‌دهندگان به مناسبتهای دیگر (مانند شفای مریض، تولد فرزند، خرید منزل، خرید اتومبیل، نذر سالانه و مشابه اینها) قربانی داشته‌اند. بر این اساس می‌توان گفت این نوع هزینه‌های مذهبی مستحب نیز به صورت قابل توجهی نزد مردم رایج است.

جدول شماره «۹»: هزینه‌های مذهبی مستحب- هزینه برای انجام مراسم و کمک به اماکن مذهبی

پرسش	پاسخ	تعداد (۲)	درصد از کل (۳)	درصد از پاسخهای داده شده (۴)	درصد تجمعی (۵)
ایا در یک سال گذشته کمک به هیأت، تکیه، حسینیه و نهادهای مشابه داشته‌اید؟	بله	۷۵	۱۳/۷	۱۹/۶	۱۹/۶
	خیر	۳۰۷	۵۶/۰	۸۰/۴	۱۰۰
	جمع پاسخها	۳۸۲	۶۹/۷	۱۰۰	
	بی پاسخ	۱۶۶	۳۰/۳		
ایا در یک سال گذشته کمک به مسجد و نذر اماکن متبرکه داشته‌اید؟	جمع کل	۵۴۸	۱۰۰		
ایا در یک سال گذشته کمک به مسجد و نذر اماکن متبرکه داشته‌اید؟	بله	۷۸	۱۴/۳	۲۰/۰	۲۰/۰
	خیر	۳۱۲	۵۶/۹	۸۰/۰	۱۰۰
	جمع پاسخها	۳۹۰	۷۱/۲	۱۰۰	
	بی پاسخ	۱۵۸	۲۸/۸		
	جمع کل	۵۴۸	۱۰۰		

پرسش	پاسخ	تعداد (۲)	درصد از کل (۳)	درصد از پاسخهای داده شده (۴)	درصد تجمعی (۵)
ایا در یک سال گذشته هزینه برای برگزاری مراسم مذهبی در منزل داشته‌اید؟	بله	۶۲	۱۱/۴	۱۵/۲	۱۵/۲
	خیر	۳۴۶	۶۳/۱	۸۴/۸	۱۰۰
	جمع پاسخها	۴۰۸	۷۷/۴		
	بی پاسخ	۱۴۰	۲۵/۵		
ایا در یک سال گذشته قربانی نذری، امام حسین، محرم، ایام و مراسم مذهبی مشابه داشته‌اید؟	بله	۷۴	۱۳/۵	۱۷/۸	۱۷/۸
	خیر	۳۴۱	۶۲/۶	۸۲/۲	۱۰۰
	جمع پاسخها	۴۱۵	۷۵/۷	۱۰۰	
	بی پاسخ	۱۳۳	۲۴/۳		
ایا در یک سال گذشته قربانی خرید منزل، اتومبیل، تولد، فرزندان، شفای مریض و مانند اینها داشته‌اید؟	بله	۸۱	۱۴/۸	۱۹/۸	۱۹/۸
	خیر	۳۲۹	۶۰/۰	۸۰/۲	۸۰/۲
	جمع پاسخها	۴۱۰	۷۷/۸	۱۰۰	
	بی پاسخ	۱۳۸	۲۵/۲		
جمع کل	۵۴۸	۱۰۰			

۳-۲-۲- تعهد و تمایل به انجام عمره

انجام عمره نیز یکی از مستحباتی است که هزینه زیادی در بر دارد. در بررسی انجام شده ۵۳/۷٪ پاسخگویان اظهار داشته‌اند در صورت تحقق شرایط حتماً به عمره خواهند رفت ۴/۸۰٪ نیز اظهار داشته‌اند ممکن است به این سفر بروند و ۲۱/۴٪ اظهار داشته‌اند که کارهای مهمتر از عمره دارند که باید انجام دهند. بر این اساس، درصد قابل توجهی از افراد جامعه مایل به هزینه کردن برای سفر عمره هستند.

جدول شماره «۱۰»: تعهد و تمایل به انجام مستحبات مذهبی هزینه‌دار - عمره

درصد تجمعی (۵)	درصد پاسخ داده شده (۴)	درصد از کل (۳)	تعداد (۲)	پاسخ (۱)
۵۳/۷	۵۳/۷	۴۳/۴	۲۳۸	بله حتماً
۷۸/۶	۲۴/۸	۲۰/۱	۱۱۰	بله ممکن است
۱۰۰	۲۱/۴	۱۷/۳	۹۵	خیر چون کارهای مهمتری هست
	۱۰۰	۸۰/۸	۴۴۳	جمع پاسخ داده شده
		۱۹/۲	۱۰۵	بی پاسخ
		۱۰۰	۵۴۸	جمع کل

۳- نتیجه‌گیری :

بر اساس بررسی انجام شده ملاحظه می‌شود که رفتار اکثریت افراد جامعه در زمینه مسایل اقتصادی منطبق با قواعد شرعی است (یعنی واجبات مذهبی مالی خود را انجام می‌دهند). در هر مورد کمتر از ۲۰٪ افراد از انجام واجبات امتناع می‌کنند. اگر ملاک تقید مذهبی را تقید برای عمل به حداقل یکی از واجبات یا مستحبات مذهبی بدانیم، تقریباً همه افراد به انجام برخی از قواعد واجب یا مستحب شرعی مقید هستند. بیشترین درصد تقید افراد جامعه به پرداخت صدقه (۹۸/۴٪) است که از قواعد مستحب می‌باشد.

از یافته‌های دیگر این بررسی آن است که بین ۱۵ تا ۳۵٪ افراد مورد بررسی هر یک از مستحبات توصیه شده صریح مذهبی را انجام می‌دهند. اما پرداخت هزینه‌هایی که صراحت مذهبی کمتری دارند (مانند کمک به آسیب‌دیدگان حوادث طبیعی) رواج کمتری دارد.

همچنین این نتیجه قابل توجه وجود دارد که تنها ۱/۵٪ از افراد جامعه از سرمایه خود به صورت ربوی بهره‌برداری می‌کنند. در حالی که ۱۶/۸٪ در فعالیتهای سودآور شرعی و حدود ۲۵٪ برای اعطای قرض الحسنه استفاده کرده‌اند. به این ترتیب می‌توان گفت جامعه ایران یک جامعه مقید به قواعد شرعی اسلامی در زمینه اقتصادی است. با

وجود مشکلات اقتصادی مردم این درجه تقید به احکام و قواعد اقتصادی اهمیت زیادی دارد.

بر این اساس می‌توان گفت این جامعه از این جهت واجد شرایط لازم برای آزمون تجربی رفتارهای اقتصادی اسلامی نیز می‌باشد. البته با توجه به محدود بودن نمونه، ممکن است این بررسی برای سیاست‌گذاری کامل نباشد اما برای این حد نتیجه‌گیری که رفتارهای اقتصادی مردم ایران مغایر با قواعد شرعی نیست کافی است. همچنین می‌توان نتیجه گرفت که این بخش از نظام اقتصادی جامعه (یعنی رفتارهای مردم) شرایط اسلامی بودن را دارد. البته بخشهای دیگر نظام اقتصادی کشور، یعنی حاکمان، قوانین رسمی و همچنین عملکرد نهادهای دیگر، محل بحث مستقل هستند.

فهرست منابع و مأخذ:

- ۱- قرآن
- ۲- نهج الفصاحه (۱۳۷۷) مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم (ص)؛ مترجم و فراهم آورنده ابوالقاسم پاینده؛ تهران: جاویدان، چاپ سوم.
- ۳- نهج البلاغه (۱۳۷۵) گردآوری مرحوم سیدمرتضی رضی؛ ترجمه مصطفی زمانی؛ قم: نبوی، چاپ هشتم، زمستان.
- ۴- ابراهیمی، محمدحسین (۱۳۷۵) اقتصاد در قرآن (تولید، توزیع، مصرف و رشد)؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۵- ابراهیمی، محمدحسین (۱۳۷۷) محرمات مکاسب: تحریری نو بر مکاسب شیخ انصاری (ره)؛ قم: مؤلف.
- ۶- اجتهادی، ابوالقاسم (۱۳۶۳) بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوران اموی؛ تهران: سروش.
- ۷- ایزوتسو، توشی هیکو (۱۳۷۸) مفهوم ایمان در کلام اسلامی؛ ترجمه‌ها پورسینا؛ تهران: سروش.
- ۸- باقری نودشکی، مجتبی (۱۳۷۸) سطح مصرف از دیدگاه اسلام؛ قم: دانشگاه مفید، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد؛ اسفند.
- ۹- توتونچیان، ایرج (۱۳۶۳) تئوری تقاضا و تحلیل اقتصادی انفاق؛ تهران: مرکز اطلاعات فنی ایران.
- ۱۰- حکیمی، محمدرضا، و حکیمی، محمد، و حکیمی، علی (۱۴۱۳-۱۴۰۹ ه.ق.) الحیاه؛ طهران: مکتب نشر الثقافه الاسلامیه؛ اجزاء السادسه.
- ۱۱- خمینی، روح الله الموسوی (۱۳۷۰) تحریر الوسیله؛ ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی؛ قم: دارالعلم.

- ۱۲- خمینی، روح الله الموسوی (۱۳۷۳) مکاسب محرمة، ۲ جلد، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی.
- ۱۳- دادگر، یدالله... (۱۳۷۸) معرفتها، ارزشها و روشها؛ تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۴- دادگر، یدالله... و سیدمحمدباقر نجفی (۱۳۷۹) مبانی فقهی پیشرفته اقتصاد اسلامی؛ کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی.
- ۱۵- دهش ور، مسعود، و مقدسی، محمود، و شیرازی، حمیدرضا (۱۳۶۶) طرح و مبانی اقتصاد در قرآن؛ تهران: مؤلفان.
- ۱۶- صدر، سیدکاظم (۱۳۷۵) اقتصاد صدر اسلام؛ تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۷- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۵۰ و ۱۳۵۷) اقتصادنا، ۲ جلد؛ ترجمه محمدکاظم موسوی؛ (چاپ اول) و عبدالعلی اسپهبدی (چاپ دوم)؛ تهران: بی نا.
- ۱۸- طباطبائی، سیدمحمد حسین (۱۳۶۳) المیزان، جلدهای ۱ تا ۵ ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی؛ قم: انتشارات اسلامی.
- ۱۹- عزتی، مرتضی (۱۳۸۲) تبیین نظریه رفتار مصرف کننده مسلمان؛ پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲۰- گیلک حکیم آبادی، محمدتقی (۱۳۷۳) نظری بر ابعاد مصرف در نظام اقتصادی اسلام؛ پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه تهران.
- ۲۱- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸) نظری به نظام اقتصادی اسلام؛ تهران: صدرا، بهار.
- ۲۲- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰) خمس؛ قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- ۲۳- منتظری، حسینعلی (۱۴۱۰ ه.ق.) خمس؛ قم: دارالفکر الاسلامیه.
- ۲۴- منتظری، حسینعلی (۱۴۰۷ ه.ق.) زکات؛ مجلدات رابعه قم؛ دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۲۵- موسوی اصفهانی، سیدجمال الدین (۱۳۶۸) ملاحظاتی پیرامون پیامهای اقتصادی قرآن تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۲۶- موسوی راد لاهیجی، سیدحسین (۱۳۷۹) زکات؛ قم: انتشارات امام شناسی.
- 27 - Zarga, Mohammad Anas (1992) Reading in Microeconomics: An Islamic Perspective; Malaysia: Longman, PP.105-112.
- 28 - Siddiqi, Mohammad Nejatullah (1992) Reading in Microeconomics: An Islamic Perspective; Malaysia: Longman, PP.1-23.
- 29 - Khan, Mohammad Fahim (1984) Macao Consumption Function in Islamic Framework ; Journal of Islamic Economics, Vo. 1, No. 2, 1404. Perspective; Malaysia: Longman.